

نقش وراثت در موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان از منظر اسلام و روانشناسی

نام: ع. خلیلی^۱

چکیده

از نظر اندیشمندان دو عامل وراثت و محیط نقش اساسی در شکل گیری و رشد شخصیت انسان و پیشرفت و تربیت او دارد. بعضی از آنان بر عامل وراثت و برخی دیگر بر عامل محیطی تاکید بیشتری کرده‌اند. اما غالباً تعامل وراثت و محیط در رشد و پیشرفت را مطرح نموده‌اند که تقریباً درباره آن اتفاق نظر دارند. البته بحث بر سر میزان تاثیر نسبی هر یکی از عوامل وراثت و محیط هنوز ادامه دارد.

از نظر اسلام علاوه بر بحث از عامل وراثت و محیط نقش عامل سومی را در تربیت و پیشرفت مطرح می‌کند که آن اراده تربی یا دانش‌آموز می‌باشد. مقوله ای که جایگاه ویژه ای در تربیت اسلامی دارد. از نظر اسلام این سهه عامل در طول عامل اصلی که همان اراده و خواست خداوند است، می‌باشد.

این تحقیق با هدف آشنایی با نقش وراثت در تربیت و پیشرفت از نظر اسلام و روانشناسی و آگاهی از سهم وراثتی والدین در فرایند پیشرفت و تربیت و آشنایی با تعامل عوامل وراثت و محیط در فرایند تربیت، می‌باشد. با روش تحلیلی توصیفی و در پی پاسخ به این سوال که: «نقش وراثت در پیشرفت و تربیت از دیدگاه اندیشمندان و اسلام و روانشناسی چگونه است؟» صورت گرفته است. شناخت تاثیر این عوامل در پیشرفت و تربیت انسان یک ضرورت پژوهشی می‌باشد.

واژگان کلیدی: وراثت، پیشرفت، تربیت، روانشناسی، اسلام.

مقدمه

دانشمندان درباره عوامل موثر بر پیشرفت و موفقیت تحصیلی، همدستانی ندارند و دیدگاه هایشان در این باره گوناگون است و به نحوی به افراط و تفریط گرائیده‌اند. کسانی چون کنت، هربرت اسپنسر و... یا عوامل محیطی را نادیده گرفته‌اند و یا عوامل وراثتی را به مراتب موثرتر از دیگر عوامل دانسته‌اند؛ و کسانی مانند

^۱ (مقاله ارسالی از دانشگاه قم)

جان استوارت، جان لاک، هنری جورج و واتسون یا عوامل وراثتی را به هیچ گرفته اند و یا بیشتر بر عوامل محیطی تاکید کرده اند.

انسان اسیر وراثت و محیط نیست؛ چنین اسارتی برخلاف فلسفه خلقت و آفرینش اوست. در تربیت و موفقیت انسان نمی توان از عنصر دیگری به نام اراده خود شخص چشم پوشی کرد. اراده از زیر ساخت های اصیل موفقیت و پیشرفت است. بنابراین، گذشته از وراثت و محیط عوامل دیگری چه طبیعی و چه فرا طبیعی در موفقیت انسان تاثیرگذار است.

ما در این تحقیق جنبه ها و ابعاد مختلف وراثت را که تاثیرگذار در رشد و موفقیت انسان و به خصوص کودک است مورد بررسی قرار خواهیم داد.

از مدتها قبل، دانشمندان که هوش بهر را مطالعه می کردند، کم و بیش عقیده داشتند که هوش به میزان زیادی تحت تاثیر وراثت است. اکثر دانشمندان بر این عقیده اند که تاکید زیاد بر اهمیت وراثت به معنای آن است که محیط تاثیر کمی دارد و برنامه های اجتماعی با هدف بهبود و افزایش هوش محکوم به شکست است.

برخی از دانشمندان وراثت پذیری هوش بهر را حداقل کمتر از ۷۵ تا ۸۵ درصد می دانند. طرفداران محیط نیز تخمین می زنند که تاثیر وراثت در هوش ۵۰٪ یا کمتر است.

این تحقیق با هدف آشنایی با نقش وراثت در موفقیت و پیشرفت تحصیلی و آگاهی از سهم وراثتی والدین در فرایند تربیت و پیشرفت کودک و آشنایی با عوامل وراثت و محیط در این فرایند، با روش تحلیلی-توصیفی و در پی پاسخ به این پرسش که "نقش وراثت در موفقیت تحصیلی دانش آموزان چگونه است؟" صورت گرفته است. در آموزش های دینی ما نیز شواهدی وجود دارد که انتقال زمینه های روحی و اخلاقی را از والدین به فرزندان تأیید می کند. بنابراین، کودکی که امروز به دنیا می آید، زمینه های گوناگون ارثی را با خود به همراه دارد و در واقع، بذره های اولیه شخصیت کودک را باید در وجود والدین جست و جو کرد. تمایلاتی که امروز در وجود زن یا مردی شکل می گیرد و به تدریج به خلق و خوی ثابت تبدیل می

شود، چه بسا زمینه پیدایش این تمایلات در فرزندانی که در آینده از آنها به وجود خواهند آمد، فراهم می آید.

تعریف موفقیت

در روانشناسی "موفقیت" به پاسخ یا عملی گفته می شود که به گونه ای شخص به هدف برسد، یا موفقیت ، یک گام قطعی است که به جانب هدف برداشته می شود. ولی در تعلیم و تربیت و در موقعیت های تحصیلی، موفقیت به درجه ای از کارایی اطلاق می شود که فرد، به فراخور توانایی هایش در پیشرفت های خود به رضایت شایسته برسد. (قاضی، ۱۳۷۳)

تعریف وراثت

از وراثت تعاریف مختلفی شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود:

وراثت به طور کلی یعنی انتقال بعضی از خصوصیات والدین یا خویشان آنها به فرزندان و همین امر سبب شباهت فرزندان به والدین یا خویشان آنها میباشد. بعضی وراثت را انتقال خصوصیات از نسلی به نسل دیگر از طریق تولید مثل تعریف کرده اند. وراثت شامل تمام عواملی میشوند که در وقت انعقاد نطفه ی فرد حضور دارند. (شریعتمداری، ۱۳۸۱)

وراثت را به همانندی فرع با اصل معنا کرده اند؛ به دیگر سخن، وراثت، گرایش طبیعی و سرشتی است که به موجب آن فرع (مثلا فرزند) در تکوین کالبد و کارکرد اندامها با اصل خود برابر و همسان می شود. (رفیعی، بهروز)

اهمیت و نقش وراثت

عامل وراثت می تواند در ساختمان ظاهری، در جنبه عصبی، فیزیولوژیکی، حتی در عقب ماندگی های ذهنی، و بیماری های روانی، موثر باشد، سلامت و بیماری، خلق و خوی کودکان و قوای عضلانی کودک از اینجا نشأت میگیرد. عواملی چون اعتیاد، عقب ماندگی های ذهنی و روانی، حتی خصایص عاطفی و اخلاقی، از پدر و مادر به کودک سرایت میکند. (قائمی، ۱۳۷۰)

درباره اهمیت مسئله وراثت و نقش آن در شکل دهی شخصیت کودک در آینده، از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایتی چنین آمده است: تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ؛ در انتخاب همسر، به‌گزین باشید؛ زیرا اخلاق والدین، به فرزندان سرایت می‌کند. (حلی، ۱۴۱۰) پیام متن: ۱- در امر تربیت، نباید از مسئله وراثت غافل ماند و باید آگاه بود که برخی از ناهنجاری‌های اخلاقی، از راه وراثت به فرزند منتقل می‌شود. ۲- با توجه به نقش وراثت در زندگی آینده فرزند، باید در انتخاب همسر، به‌گزین بود.

اساس وراثت

وراثت در اثر انتقال قسمتی از ماده زنده والدین به فرزندان صورت می‌گیرد. فرد عوامل ارثی را معمولاً از والدین خود اخذ می‌نماید، آنها نیز به نوبه خود از والدین خویش می‌گیرند. (شریعتمداری، ۱۳۸۱)

عوامل ارثی

عوامل ارثی " ژنها " یا ذرات ریزی که در کروموزومها قرار دارند میباشد. کروموزوم ها اجسام کوچک عصبایی شکلی هستند که بعضی درازتر و پاره ای کوتاه تر و دسته ای راست و مستقیم و بعضی خمیده میباشند. (شریعتمداری، ۱۳۸۱)

توارث و خصوصیات روانی

آیا هوش ارثی است یا عوامل محیط در سطح رشد و پرورش آن تاثیر دارند؟

آنقدر که روانشناسان درباره ی ارثی بودن خصوصیات بدنی توافق دارند درباره ی امور روانی با یکدیگر هم عقیده نیستند.

بعضی درباره محیط مبالغه می کنند و اعتقاد دارند که محیط عامل عمده و اساسی در رشد شخصیت و هوش افراد است. واتسون موسس مکتب سلوک و رفتار عقیده دارد که رشد بچه ها مخصوصاً در جنبه روانی کاملاً تابع محیط است.

در مقابل این نظر افراطی عده ی دیگری از روانشناسان و زیست شناسان اهمیت زیادی به عامل ارثی می‌دهند و خصوصیات روانی را نتیجه و محصول عوامل ارثی میدانند و اثر محیط را در رشد اینگونه امور ناچیز می‌شمارند.

بعضی از دانشمندان پاره ای از خصوصیات روانی مثل هوش یا جنبه های عاطفی و طبع و مزاج اشخاص را معلول عوامل ارثی میدانند و سایر خصوصیات روانی مثل عادات اجتماعی، رفتار اخلاقی و طرز برخورد با اشیاء و اشخاص را محصول محیط تلقی می کنند.

گالتن دانشمند انگلیسی درباره ی خانواده هایی که افراد بسیار باهوش در میان آنها دیده می شد مطالعه کرد و متوجه شد که در میان فرزندان این خانواده ها تعداد افراد بسیار باهوش بیشتر از خانواده های معمولی است و نتیجه گرفت که عوامل ارثی در میزان هوش تاثیر دارند.

گرچه تحقیقات مختلف و متعددی در زمینه های روانی انجام شده است، نتایج این تحقیقات اغلب متفاوت و در مقابل هم قرار دارند. لذا هنوز در این باره نمیتوان بطور قاطع اظهار نظر نمود. (شریعتمداری، ۱۳۸۱)

آگاهی از ویژگی‌های روحی و تفاوت‌های فردی فرزندان

انسان‌ها تفاوت‌های جسمی و روانی بسیاری با یکدیگر دارند و حتی نمی‌توان دو نفر را یافت که در همه ویژگی‌های روحی و جسمی، مانند هم باشند. والدین و مربیان باید نخست از ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی اشخاص تحت تربیت خود، جداگانه آگاهی یابند و پس از آن، به پرورش آنان همت بگمارند. کودکی که امروز از مادر متولد می شود، با توجه به مجموعه شرایط جسمی و روانی که متأثر از عوامل ارثی و پاره‌ای عوامل ناشناخته دیگر است، ویژگی‌های منحصر به خود دارد، به گونه ای که نمی توان او را با کودک دیگر مقایسه کرد. از این رو، روش‌های تربیتی و چگونگی برخورد ما با کودک و نیز انتظارات ما از وی، باید متناسب با شرایط و ویژگی‌های ویژه او باشد. توجه به این نکته سبب می شود که ما تجربه‌های تربیتی خود را که تنها به یک یا چند کودک خاص مربوط است، همواره عمومیت نبخشیم و آنها را در هر شرایط، نتیجه بخش ندانیم؛ زیرا چه بسا روشی درباره یک کودک مفید باشد و درباره کودک دیگر سودمند نیفتد. از این رو، پدر و مادر باید بکوشند هر یک از فرزندان خود را با توجه به ویژگی‌های روانی شان به درستی بشناسند

و تا آنجا که ممکن است، در تربیت درست او سرمایه گذاری معنوی و مادی کنند، ولی از همه فرزندان خود انتظار یکسان نداشته باشند و آنها را با کودکان دیگر نیز مقایسه نکنند.» ابن سینا نیز می گوید: مربی باید از تفاوت های فردی کودکان و متعلمان آگاه باشد. او باید از علاقه آنها به رشته تحصیلی یا حرفه ای معین مطلع باشد. همچنین وی باید بداند که هر کدام از کودکان و متعلمان، در چه زمینه ای استعداد و آمادگی دارد.

تربیت بهتر، در سایه آگاهی از ویژگی ها و تفاوت های فردی فرزندان میسر است. انتخاب هزینه کمتر به جای هزینه بیشتر در تهذیب فرزندانگر پدر و مادر، برای پرورش فرزندشان در دوران خردسالی و کودکی او، از نظر هزینه مادی و معنوی کم بگذارند، ناچار باید در سال های بعد، چند برابر آن را هزینه کنند. «معمولاً تربیت درست، از همان آغاز کودکی، برخلاف تصور خیلی ها چندان دشوار نیست. هر پدر و مادری می تواند از پس دشواری های این کار برآید و تربیت درستی به فرزندش بدهد، ولی تربیت دوباره، از زمین تا آسمان، با این متفاوت است. اگر فرزندان را بد بار بیاورید، اگر در تربیتش کوتاهی کنید، آن وقت باید خیلی چیزها را اصلاح کنید و از نو بسازید و این اصلاح و تربیت دوباره، کار چندان ساده ای نیست. تربیت دوباره، قدرت، آگاهی و حوصله ای می خواهد که از حد توان خیلی از پدر و مادرها خارج است. اغلب پیش می آید که خانواده از پس دشواری های تربیت دوباره بر نمی آیند. حتی بر فرض هم که تربیت دوباره به جایی برسد و شخص به کار و زندگی مشغول شود و همه از جمله پدر و مادرش با دیدن او خشنود شوند، در این میان، چیزهای زیادی از دست رفته است. اگر این فرد از همان اول درست بار می آمد، از زندگی بهره بیشتری می برد، با توان و آمادگی بیشتری وارد جامعه می شد و در نتیجه، خوشبخت تر بود. به پدران و مادران توصیه می کنم همیشه به خاطر داشته باشند که فرزندان خود را چنان تربیت کنند که مجبور نشوند، چیزی را اصلاح کنند. باید همه چیز از همان اول درست انجام شود.» پیام متن: تربیت فرزند در خردسالی و کودکی او، با پرداخت هزینه کمتر امکانپذیر است و در مقابل، تربیت کردن او در سال های بعد، برابر است با پرداخت هزینه بیشتر که چه بسا نتیجه مطلوب را نیز نمی دهد.

تربیت عملی فرزند به جای تربیت زبانی از قدیم گفته اند: «دو صد گفته چون نیم کردار نیست.» از این ضرب المثل می توان استفاده کرد که تنها با عمل کردن به گفته هاست که کارها سر و سامان می پذیرد و

گره‌ها گشوده می‌شود و موفقیت به دست می‌آید. در حقیقت، تنها با عمل کردن به گفته‌ها می‌توان دیگران را به نیکی‌ها و خوبی‌ها دعوت کرد. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌خوانیم: «كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ اَلْاِجْتِهَادَ وَ الصَّدْقَ وَ الْوَرَعَ؛ مردمان را به غیر زبانتان (و با کردارتان به خیر و نیکوکاری) دعوت کنید، تا آنها کوشش در نیکوکاری، راستگویی و پرهیزکاری را در عمل شما ببینند» (کلینی، ج ۳: ۱۲۴). بر این اساس، والدینی که نگران تربیت و سعادت فرزندان‌شان هستند، برای توفیق در این امر، پیش از هر چیز باید خود، الگویی عملی برای فرزندان‌شان باشند و آنها را با عمل، به سمت خوبی‌ها فرا بخوانند. نصیحت‌ها و یادآوری‌های والدین، زمانی در کودکان اثر مثبت دارد که خود، نمونه‌ای آشکار و عملی برای کودکان باشند. به تعبیر ویل دورانت اگر از فرزندت ادب می‌خواهی، خود مؤدب باش؛ اگر پاکیزگی می‌خواهی، خود پاکیزه باش که چیز دیگری لازم نیست. رفتار خوب را فقط با نشان دادن نمونه و مثال، از روی شبیایی مستمر، می‌توان یاد داد. «رفتار شخصی شما، مهمترین عامل در تربیت کودک است. خیال نکنید فقط وقتی که با او گفت و گو می‌کنید یا راه و چاه نشان می‌دهید یا به او امر و نهی می‌کنید، سرگرم تربیتش هستید، بلکه طرز لباس پوشیدن شما، طرز حرف زدن با دیگران و درباره دیگران، شاد و غمگین شدن، طرز رفتار با دوستان و دشمنان، همه و همه برای کودک بسیار مهم و تأثیرگذار است.

فرزندتان، نامحسوس‌ترین تغییر حالت‌ها و تغییر لحن گفتار شما را متوجه می‌شود و احساس می‌کند. همه زیر و بم فکر و اندیشه شما از راه‌های نامرئی به او می‌رسد، بی آنکه شما متوجه شوید. باید دقت پدر و مادر در رفتار و کردارشان و نظارت همیشگی آنان بر همه گفته‌ها و کارهایشان، نخستین و مهمترین شیوه تربیتی باشد. غزالی در این زمینه می‌گوید: هر که چیزی تناول کند و مردمان را گوید که تناول نکنید که زهر مهلک است، بر وی بدان (عمل) افسوس کنند (ریشخند نمایند) و او را متهم دارند و حرص ایشان بر آن (عمل) زیادت شود و گویند: اگر نه آنستی که آن خوش تر و لذیذتر چیزهاست، آن را بر خود نگزیدی. پیام متن: مهمترین و اثرگذارترین عامل در تربیت فرزندان، الگوی عملی بودن والدین در برابر آنهاست.

عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی

عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی فراوانند که در مجموعه ای از عوامل فردی، آموزشی (مدرسه ای)، خانوادگی و اجتماعی طبقه بندی می شوند.

مهمترین عواملی که موثر بر پیشرفت تحصیلی شناسایی شده اند، عبارتند از:

۱. وضعیت فرهنگی خانواده دانش آموز

۲. آموزش های تقویتی

۳. انجام تکالیف درسی و کار در خانه

۴. وضعیت حرفه ای معلم

۵. برقراری ارتباط سالم و افقی

همان طور که ملاحظه می شود اولین و مهم ترین عامل موثر در پیشرفت تحصیلی "جو و فضای فرهنگی حاکم بر خانواده" است. و نه توان و بضاعت اقتصادی آن. آن چه امروز در نزد مردم به عنوان مهم ترین عامل موثر در پیشرفت تحصیلی فرزندان شهرت دارد امکان اقتصادی خانواده برای تامین تسهیلات مورد نیاز برای تحصیل مطلوب تر باشد، اما در پژوهش فوق فضای فرهنگی که شامل نگرش اولیاء به نحوه زندگی، چگونگی تحصیل فرزندان، علاقمندی آنان به پیشرفت تحصیلی، چگونگی گذراندن اوقات فراغت و نحوه استفاده از این اوقات فراغت به نفع غنی سازی فرهنگی و از جمله میزان مطالعه کتاب های غیر درسی، بهره هوشی آنها که مستقیم بر پیشرفت تحصیلی اثر گذار است. همانطور که قبلا اشاره شد بهره هوشی یکی از عوامل وراثتی است که از طریق والدین به فرزندان منتقل میشود، به عنوان عامل موثر و اولیه مرتبط با پیشرفت تحصیلی فرزندان معرفی گردیده است.

شخصیت بخشی به فرزند

صرف نظر از تربیت دینی، والدین با پرورش شخصیتی سالم در کودک، زمینه را برای آراستگی او به بسیاری از فضیلت ها و دوری او از بسیاری ناهنجاری های اخلاقی و لغزش ها فراهم می آورند. فردی که به شخصیت محکم و مطمئنی رسیده است، حتی اگر پای بند دین نباشد، باز هم به سوی زشتی ها و لغزش ها نمی رود،

چنانکه حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يَهْنَأْ بِالْمَعْصِيَةِ؛ کسی که شخصیتش در نظرش ارزشمند شد، آن را با خطا و معصیت خوار نمی کند» (آمدی: ح ۸۷۳۰). همچنین فرمود: «مَنْ كَرُمَتْ نَفْسُهُ قَلَّ شِقَاقُهُ وَ خِلَافُهُ؛ کسی که با شخصیت باشد، بزهکاری‌ها و خطاهایش کم می شود» (آمدی: ح ۹۰۵۱). «احساس شخصیت اخلاقی در انسان، مانند سدّی درونی، مانع دست زدن به کارهای خلاف می شود و انسان را از درون کنترل می کند و از زشتی‌ها باز می دارد. پس آدمی به سبب داشتن احساس بزرگی و کرامت در خود، جرئت رفتن به سوی زشتی‌ها را ندارد و حتی اگر روزی دست به خطای بزند، آن را از دید دیگران پنهان می کند تا در نظر آنان، خوار و بی مقدار نشود. برای این منظور، لازم است از هر گونه رفتار که این احساس شخصیت را در کودک و نوجوان مخدوش می کند، به شدت پرهیز کرد. اهانت، تحقیر، به کار بردن الفاظ طعن‌آمیز و نیش‌دار، سرکوفت‌زدن، سرزنش بی‌جا، زیاده‌روی در تذکر و نصیحت و به رخ کشیدن ضعف‌ها و شکست‌ها، عواملی هستند که به از میان رفتن احساس شخصیت در کودک و نوجوان می انجامد». پیام متن: شخصیت‌دهی به کودک و نوجوان، ضامن حفظ سلامت روحی او و بازداشتن او از لغزش‌هاست.

رفتار کودکانه داشتن با فرزند

دنیای کودک با دنیای بزرگ سال، متفاوت است. آنچه برای بزرگترها بی معنی و بیهوده است، چه بسا برای کودک، بسیار ارزشمند و مفید باشد. بزرگ سال، خود را سرگرم اسباب بازی نمی کند، با خاک بازی نمی کند، جست و خیز ندارد و کارهای ناموزون انجام نمی دهد، ولی همه این موارد، برای کودک ضروری است و نقشی حیاتی برای او دارد و بیشترین لذت را از انجام دادن چنین کارهایی می برد. بزرگسالی که از دریچه ذهن کودک به رفتارهای کودکانه او می نگرد، در تربیت فرزندش موفق‌تر است و تنها در این حالت است که می تواند برای دردمس‌آفرینی‌های کودک، توجیهی قابل قبول بیابد و از داشتن انتظارات بیهوده و فراوان از او پرهیز کند و با مدارا و به دور از خشونت با او رفتار نماید. و در نتیجه، شایسته‌ترین واکنش را در برابر کارهای کودکانه فرزندشان در پیش گیرد. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره می فرماید: «مَنْ كَانَ لَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَّ لَهُ؛ کسی که کودکی دارد، باید در پرورش او کودکانه رفتار کند». (صدوق: ۴۸۲). گفتنی است که این حدیث شریف، پایه پژوهش‌های چندین ساله مارگارت دونالدسون،

پژوهشگر و روان شناس کودک بوده است. به اعتقاد وی: «همه آنچه به پندار ما فراتر از قوه درک کودک است، در صورتی که به شیوه و زبان خود کودک بیان شود، از عهده درک آن بر خواهد آمد.» ویل دورانت نیز در این باره می گوید: رمز و کلید تربیت کودک، در این است که پدر و مادر از نو بتوانند مانند کودکان شوند و از مقام و درجه ای که دارند، پایین بیایند. شاید با این صمیمیتی که از روی فروتنی است، بتوانیم اطمینان و محبت کامل کودک را که سنگ بنای تربیت اوست، به دست آوریم.

"آموزش های تقویتی" به عنوان ملاک و شاخص بعدی موثر در پیشرفت تحصیلی مورد شناسایی قرار گرفته است و این امر نیز مفهوم و معنای روشنی دارد. چنان چه والدین و خانواده های محترم با معلمین و دبیران فرزندان واقف شوند و با راهنمایی مربیان گرامی نسبت به تامین آموزش های تقویتی مورد نیاز همت گمارند. در حقیقت آموزش های تقویتی مورد نیاز، دانش آموز را نسبت به کاستی های درسی و تحصیلی تقویت می کند، مشکلات آموزشی آنان را در موارد مربوط کاهش می دهد و دانش آموزان به رشد و پیشرفت قابل قبول نائل می شوند، مشروط بر آن که چنین آموزش هایی اولاً با راهنمایی مربیان در موارد مورد نیاز باشد و ثانیاً از روی برنامه و با خبرگی کامل توسط افراد آشنا به فنون تدریس و یادگیری انجام پذیرد.

شاخص سوم، "انجام تکالیف درسی و کار در خانه" است، امروز از انجام تکالیف درسی در خانه به عنوان یک عامل تکمیل کننده و تقویت کننده کار در مدرسه یاد می شود و چنانچه این امر که مکمل یادگیری در مدرسه و تمرین در خصوص آموزش های مدرسه ای و هم چنین انتقال و تعمیم مواد درسی فرا گرفته شده به جامعه و دنیای عملی است که دانش آموز با آن سر و کار دارد، به خوبی انجام پذیرد، قادر است یادگیری را تکمیل و پیشرفت تحصیلی را مطلوب نماید انجام تکالیف که با نظر دبیران و معلمان انجام می پذیرد قصد دارد کارایی و توانایی دانش آموزان را در مواد و متنی که در آموزشگاه فرا گرفته اند با کار عملی توسط آنان مورد ارزیابی قرار دهد. بنابراین اولاً تکالیف باید توسط خود دانش آموزان انجام شود تا میزان توانایی و کارایی آنان روشن شود و چنانچه نقطه ضعف و کاستی خاصی در آن ماده درسی دارند، مرتفع گردد.

ثانیا معلمین گرتمی باید تکالیف را با دقت مورد بررسی قرار دهند و دانش آموزان بدانند که تکالیفشان مورد بررسی قرار می گیرد تا تلاش و تکاپوی لازم به انجام رسانند بعضی از خانواده ها برای دلسوزی و کمک به فرزندان، تکالیف فرزندان را خود انجام می دهند که این امر هم خود اتکایی و استقلال فرزندان را مخدوش می نماید و هم اجازه نمی دهد وضعیت تحصیلی و کاستی های مربوط به فرزندان روشن شود. از سوی دیگر دبیران و معلمان در بررسی تکالیف دانش آموزان (که می تواند به علت محدود بودن وقت کلاس به صورت تصادفی و هر بار در مورد تکالیف عده ای از دانش آموزان انجام پذیرد) انتظار نداشته باشند که همه تکالیف به خوبی و صد در صد بر طبق نظر آن ها انجام شده باشد و با برخوردی تشویق کننده نسبت به انجام تکلیف و به نوعی مطلوب نقاط مشکل دار تکالیف را روشن و دانش آموز را به عنایت برای رفع آن مشکلات تشویق نمایند یاد آوری این نکته ضروری است که نحوه برخورد دبیران و معلمان با تکالیف دانش آموزان نقش بسیار موثری در انجام تکالیف خود دانش آموزان، خود اتکایی و استقلال آنان و در نتیجه پیشرفت تحصیلی آنها خواهد داشت خانواده های گرامی هم باید با اطلاع از وضعیت تحصیلی فرزند خود و آگاهی از چگونگی کمک به او که در سایه همکاری و هم آهنگی با مربیان انجام خواهد گرفت، بستر و فضای لازم را برای انجام تکالیف فراهم کنند و به جای دخالت و یا انجام تکالیف فرزند، فقط نظارت و مساعدت لازم را برای انجام کار توسط خود او به عمل آورند. یاد آوری این نکته نیز ضروری است که اولاد فرزندان ما باید از برنامه ای معین برای کار تحصیلی در خانه برخوردار باشند که بر اساس آن انجام وظیفه کنند و ثانیا نباید بیش از دو تا سه ساعت برای فرزندان دبستانی و راهنمایی و بیش از ۴ ساعت برای فرزندان دبیرستانی انتظار کار و انجام تکالیف درسی از آن داشته باشیم و حتما باید به برنامه اوقات فراغت نیز توجه لازم را مبذول کنیم همان طوری که در شاخص سوم ملاحظه می شود علاوه بر انجام تکالیف درسی کار در خانه هم بر پیشرفت تحصیلی و ذهنی فرزندان ما تاثیر دارد. این امر از آن جا ناشی می شود که کار در منزل برای فرزندان ما نوعی گذراندن اوقات فراغت به شمار می آید و معمولا از انجام کار، به خصوص اگر مورد علاقه آنان باشد، لذت می برند. چنان که می دانیم اوقات فراغت و گذراندن صحیح آن توسط فرزندان باعث خلاقیت، سرور و نشاط آنان می شود.

وضعیت حرفه ای معلم

عامل چهارمی که بر پیشرفت دانش‌آموزان تاثیر می‌گذارد "وضعیت حرفه ای معلم" است. نقش معلم از دیرباز در تعلیم و تربیت مورد توجه و به عنوان اصلی ترین عامل تربیت مورد توجه و به عنوان اصلی ترین عامل تربیت مورد تاکید قرار گرفته است امروز هم علی رغم پیشرفت ها و تحولات همه جانبه رسانه ها و تجهیزات آموزشی، با وجود آن که در برنامه ریزی های درسی تا حدودی معلم محوری جای خود را به برنامه محوری و یا دانش آموز محوری داده است نه تنها از نقش موثر معلم در یادگیری و پیشرفت تحصیلی کاسته نشده، بلکه به عنوان یکی از عوامل اصلی و موثر در یادگیری و پیشرفت تحصیلی در تمام نظام های تطبیقی آموزش و پرورش در سراسر جهان قلمداد می گردد. در نظام های موفق آموزش و پرورش در جهان امروز، مهم ترین ابزار توفیق، وجود معلمان و دبیرانی است که به لحاظ حرفه ای از شرایط مطلوبی برخوردار هستند. وضعیت حرفه ای معلم به میزان علم و تخصص، تجربه، علاقه، و پای بندی به تلاش های حرفه ای و شغلی او مربوط می گردد. تحقیق انجام شده نشان داده است که دبیران موفق، یعنی دبیرانی که دانش آموزان آنان با دانش آموزان دیگر به لحاظ پیشرفت تحصیلی تفاوت معنا داری داشته اند، از نظر حرفه ای، علمی و تخصصی نسبت به سایر همکاران خود از درجه تحصیلی بالاتری برخوردار بوده اند. (مدرک کارشناسی) در مقایسه با مدرک (کاردانی) و دیپلم، سنشان از چهل سال به بالا بوده است، حدود ۲۰ سال تجربه کاری داشته اند، به کار خود علاقمند و با اصول روانشناسی یادگیری و حس ارتباط با دانش آموز خود آشنا بوده اند. البته موارد بالا بدین معنی نیست که اگر معلمی تجربه زیر ۲۰ سال داشت یا سنش کم تر از ۴۰ سال بود، یا درجه تحصیلی او لیسانس نبود نمی تواند معلم موفق باشد، بلکه مفهوم آن است که معلمین یا دبیرانی که شاخص های حرفه ای بالاتری دارند در کار تدریس خود موفق ترند و دانش آموزان آن ها در مقایسه با سایر دانش آموزان مشابه که معلمان آنان چنین ویژگی هایی را ندارند، از پیشرفت بیش تری در امور تحصیلی برخوردارند. بنابراین با توجه به نقش حرفه ای معلمان و دبیران که بر پیشرفت تحصیلی فرزندان ما موثر می باشد جا دارد خانواده های گرامی به تاثیر این نقش توجه داشته باشند و برای ثبت نام فرزندان خود در مدارس، توجه لازم را به وجود مربیان حرفه ای و علاقمند به کار، بیش تر از اموری هم چون موقعیت جغرافیایی آموزشگاه یا مطلوبیت فضای آموزشی معطوف دارند. (افروز، ۱۳۷۵)

برقراری ارتباط سالم با فرزندان

یکی از اساسی‌ترین شرط موفقیت والدین در زمینه تربیت و پیشرفت تحصیلی فرزندان، برقراری درست ارتباط عاطفی و روانی با آنهاست. با تحقق چنین شرطی، پدر به درون فرزند خویش راه می‌یابد و از ویژگی‌های حاکم بر شخصیت او آگاه می‌شود تا بنا بر چنین دانشی، شیوه رفتاری مناسبی را با او در پیش گیرد. چنین رفتاری موجب می‌شود که فرزندان نیز در برابر والدین، احساس دوستی و انس و صمیمیت بیشتری می‌کنند و کانون اصلی امنیت و اعتماد را پدر و مادر خویش بدانند. در نتیجه، از بسیاری از خطرهای آفت‌ها در امان می‌مانند. در آموزه‌های دین اسلام، به ایجاد چنین رابطه‌هایی میان والدین و فرزندان، بسیار سفارش شده است. برای نمونه در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) می‌خوانیم: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَّ لَهُ؛ آن کس که کودکی نزد وی است، در پرورش او باید، کودکانه رفتار کند» (صدوق، ۴۸۲). این روایت، یکی از بهترین شیوه‌های ارتباط والدین با کودکان را بیان می‌کند و آن این است که ابتدا پدر و مادر باید خود را تا حد اندیشه و درک کودک پایین آورند و از دریچه چشم کودک، به جهان پیرامون او و پدیده‌های اطراف او بنگرند و آن‌گاه رفتاری مناسب با ویژگی‌های طبیعی آن کودک در پیش گیرند. اگر پدر و مادر نتوانند با فرزند خود رابطه فکری و عاطفی برقرار کنند، در تربیت و هدایت و پیشرفت تحصیلی او ناموفق خواهند بود.

همه انبیاء الهی که ز طرف خدای متعال در میان بشر مبعوث شده‌اند، برای دوهدف اساسی بوده است. یکی، برقراری ارتباط صحیح میان بنده و خالق خودش، میان بنده و خداست، به عبارت دیگر منع بشر از پرستش هرموجودی غیر از خالق خودش، که در کلمه طیبه «لا اله الا الله» خلاصه می‌شود. هدف دومی که برای بعثت پیامبران عظام از طرف خداوند متعال هست، برقراری ارتباط حسنه و صالحه میان افراد بشر، بعضی با بعضی دیگر، براساس عدالت و صلح و صفا و تعاون و احسان و محبت و عاطفه و خدمت به یکدیگر است.

قرآن کریم این دو مطلب را به عنوان دوهدف برای انبیاء در کمال صراحت ذکر کرده است. راجع به هدف اول، درباره خاتم الانبیاء می‌فرماید: «یا ایها النبی انا ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا. و داعیا الی الله باذنه و سراجا منیرا» (احزاب / ۴۵ و ۴۶) و در باره هدف دوم می‌فرماید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط...» (حدید / ۲۵). ببینید قرآن با چه صراحتی عنایت و بلکه ماموریت و

سالت انبیاء برای برقراری عدالت در میان بشر را بیان می کند. در این آیه مبارکه می فرماید ما فرستادگان خود را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب و دستور مکتوب و نوشته شده فرستادیم، یعنی قوانین و مقررات زندگی عادلانه، برای چه ؟ «لیقوم الناس بالقسط» برای این که همه افراد بشر به عدالت رفتار کنند و اصل عدالت، آنهم در مقیاس بشریت، هدف اصلی و عمومی همه انبیاء عظام بوده است، یعنی انبیاء که آمده اند، یک کار، یک وظیفه، یک مأموریت و یک رسالتی داشته اند، به نص قرآن مجید آن عدالت بوده است در حوزه رفتاری خانوادگی نیز همین معیار باید مدنظر قرار گیرد.

موانع پیشرفت و موفقیت تحصیلی

عوامل زیادی نیز بر افت تحصیلی موثر هستند که در اینجا به برخی از آنها اشاره میکنیم:

۱. عوامل مربوط به خود دانش آموز

۲. عوامل مربوط به خانواده

۳. عوامل مربوط به مدرسه

۴. عوامل مربوط به اجتماع

عوامل مربوط به خود دانش آموز

- عوامل فیزیولوژیکی و جسمی مانند ضعف بینایی و شنوایی و غیره
- عوامل ذهنی و روانی مانند میزان هوش و قدرت حافظه و سلامت روان، اضطراب عمومی، پایین بودن سطح عزت نفس، هوش، ارزشیابی شناختی (امینی، محمد صادق)
- ✓ توان شناختی یا بهره هوشی نیز تا حد زیادی موروثی است. تحقیقاتی که در این موضوع انجام شده نشان میدهد عملکرد فرد در آزمونهای هوش متأثر از عوامل ارثی است و با نزدیکتر شدن پیوندهای خویشاوندی بهره هوشی افراد نیز به هم نزدیکتر میشود. (داوودی،

(۱۳۸۴)

- عدم آمادگی، عدم توجه و تمرکز، روشهای مطالعه نادرست و انتظارات سطح بالا
- نداشتن هدف واقعی و عینی و روشن از تحصیل

- عدم انگیزش درونی برای تحصیل و مطالعه
- نداشتن اعتماد به نفس کافی
- عدم برنامه ریزی دقیق از لحاظ زمان و میزان مطالعه روزانه
- نداشتن روش مطالعه مناسب برای دروس مختلف
- مهارت های مطالعه نادرست

عوامل مربوط به خانواده

- اختلاف خانوادگی و خانواده آشفته ، طلاق فیزیکی یا روانی والدین ، وجود نا مادری یا نا پدری و غیره
- اختلاف فرزندان با خانواده مانند لجبازی با والدین و اعتراض به جو خانواده
- وابسته و متکی نمودن فرزندان به والدین در امور درسی و تکالیف منزل از دوران ابتدایی
- تحقیر ، سرزنش و مقایسه نادرست فرزندان با همسالان موفق و در نتیجه پایین آوردن اعتماد به نفس و خود پنداری و برخی رفتارهای روانی - عاطفی آنان که بیشتر جنبه ارثی دارند.
- تغییرات منفی در خانواده مانند ورشکستگی سیاسی و اقتصادی و اعتیاد و غیره
- تغییر در جهت ارتقای سریع و غیر مترقبه سطح اقتصادی یا اجتماعی خانواده و از خود باختگی و غافلگیر شدن فرزندان و انواع انحرافات (امینی، محمد صادق)

✓ و هم چنین برخی از بیماری ها و ناهنجاری ها و اختلال های روانی یا آمادگی برای ابتلا به آنها نیز منشاء وراثتی دارند. بیماری فنیل کتونوریا از راه وراثت به فرزند منتقل و موجب عقب ماندگی ذهنی میشود. هم چنین جنون، افسردگی و اسکیزوفرنی نیز از راه ارث منتقل میشود. مردان و زنانی که دچار ضعف عقل و حماقت هستند بچه های ضعیف العقل می آورند و این خود یکی از بزرگترین موانع پیشرفت فرد خواهد بود. (داوودی، ۱۳۸۴)

✓ ندادن آزادی و انتخاب عمل به فرزندان

برخی پدر و مادرها، فرزندانشان را به حرفه‌ها و اموری وادار می‌کنند که خود تا به حال از آن محروم مانده‌اند، تا از این راه، ناکامی‌های خود را جبران کنند. چنین والدینی، نه بر اساس ذوق و استعداد فرزندانشان، بلکه با توجه به خواسته‌های قلبی خود، آنان را به سوی کارهای دلخواهشان رهنمون می‌سازند تا شاید به گمشده‌های خویش دست یابند. برای بسیاری از والدین مشکل است که میزان و حدود شایستگی‌ها و کمال فرزندان خود را بپذیرند و به آنها فشار نیاورند که بیش از آنچه هستند، نشان دهند؛ پدران و مادرانی که می‌خواهند کودکشان آن چیزی بشود که خود آن‌ها می‌خواستند بشوند، ولی نشدند. این گونه والدین انتظار دارند که فرزندشان شکست‌های آنان را جبران کند. برای مثال، پدری که علاقمند به ورزش بوده است و همه کوشش خود را در این راه به کار برده، ولی موفقیتی به دست نیاورده است، انتظار دارد که پسرش ضعف او را جبران کند و در رشته ورزشی مورد علاقه پدر قهرمان شود. همچنین است وضع پدر و مادرانی که خود موفق به ادامه تحصیل و ورود به دانشگاه نشده‌اند و تحقق این آرزو را در فرزندان خود جست‌وجو می‌کنند. توقعی که چه بسا باری سنگین بر دوش کودکانی است که احتمالاً توانایی و استعداد برآوردن آن را ندارند و از همان نوجوانی، به یأس و ناامیدی می‌رسند. البته این بدان معنی نیست که والدین نباید توجه فرزندانشان را به چیزهایی که خود علاقمندند، جلب کنند. آشنا کردن کودکان با هنرها و فعالیت‌های سرگرم کننده، ضروری است و می‌تواند به آنها کمک کند تا خود، فعالیت و هنر و سرگرمی مورد علاقه‌شان را انتخاب کنند. درباره آشنایی با مقدمات و آشنایی با مشاغل نیز پدر و مادر باید فرزند خویش را از دوران نوجوانی یاری کنند تا اطلاعات لازم را در زمینه حرفه هماهنگ با استعدادش به دست آورد. البته اصل این است که نباید آشنا کردن فرزند به مشاغل و فعالیت‌ها، جنبه اجبار داشته باشد، بلکه فرزند باید خود احساس رضایت قلبی در قبال آن کار داشته باشد». پیام متن: معیار روی آوردن فرزند به کارها و مشاغل، باید رضایت قلبی او باشد، نه اجبار والدینی که چه بسا به خاطر جبران ناکامی‌های خود، فرزند را به کارهایی ویژه رهنمون می‌شوند.

عوامل مربوط به مدرسه

- گروه همسالان مانند مزاحمت و شوخی های نابجا در کلاس درس
- رفتارهای نامناسب عوامل اجرایی مدرسه مانند مدیر ، معاونین ، دبیران و مشاوران
- جو عمومی حاکم بر مدرسه از لحاظ درسی مانند سخت گیری بیش از حد دبیران در دادن نمره به خاطر بالا فرض کردن سطح علمی مدرسه یا همرنگ شدن دانش آموز با سایر دانش آموزان ضعیف با فرض اینکه همه دانش آموزان مدرسه ضعیف هستند.

عوامل مربوط به اجتماع

- دوستان ناباب
 - استفاده نادرست از کلوپ های ورزشی ، بدن سازی ، بیلارد و غیره
 - استفاده نادرست از کافی نت ها و گیم نت ها گذراندن وقت زیاد در خیابان ها و خارج از منزل).
- امینی، محمد صادق)

پیشینه تجربی

در موضوعات مشابه وراثت و ژنتیک مورد بحث قرار گرفته است. به عنوان نمونه به موارد زیر اشاره می شود:

یونگ برای افراد انسانی بر حسب آنکه بیشتر متوجه عالم درون باشد یا عالم بیرون، دو سنخ شخصیتی قائل است: گروه اول را دورون گرا و گروه دوم را بیرون گرا میداند. و در تعریف این دو سنخ میگوید «وقتی توجه به امور و اشیا خارج چنان شدید باشد که افعال ارادی و سایر اعمال اساسی آدمی صرفاً معلول مناسبات امور و عوامل بیرونی باشد این حالت بیرون گرایی خوانده می شود. شخص درون گرا غالباً متوجه عوامل درونی و اِهنی است و زیر نفوذ این عوامل قرار دارد. تردیدی نیست که او شرایط و اوضاع و احوال بیرونی را می بیند، اما عوامل و عناصر ذهنی در او برتری و مزیت دارند و حاکم بر احوال او هستند.» (یونگ، ۱۹۲۷)

علاوه بر این دو تیپ شخصیتی یونگ برای آدمی چهار کارکرد نیز قائل است که عبارتند از: حس کردن، شهود، احساس و تفکر. که ترکیب آنها با دو تیپ ذکر شده جمعا هشت تیپ شخصیتی ایجاد می کند: برون گرای متفکر، برون گرای احساسی، برون گرای حسی، برون گرای شهودی و درون گرا نیز به این چهار دسته تقسیم می شود. از جمله یونگ برای برون گرای شهودی معتقد است که این افراد از نظر کارهای سیاسی و تجارتي عالی هستند زیرا استعداد قوی در بهره گیری از فرصت ها دارند که این ها عوامل موفقیت فرد در همه ی امور محسوب میشوند. آنان جذب اندیشه های نو میشوند و تمایل دارند که خلاق بوده و بتوانند دیگران را در پیشرفت و موفقیت ترغیب کنند. (کریمی، ۱۳۸۷)

در مقاله «بررسی ژنتیک اخلاق و معنویت، تحولی نو در عرصه روانشناسی» نوشته فاطمه پور علی و علی کرمی نقش وراثت بر اخلاق را مورد بررسی قرار داده اند و گفته شده: علوم دقیقی در ارتباط با کشف نقش وراثت و ژنتیک افراد در رفتار و شخصیت آنان ایجاد شده است مانند: ژنتیک رفتار، ژنتیک سیستم عصبی و ژنتیک روانپزشکی، اخیراً مطالبی در مورد نقش ژنتیک در گرایشات مذهبی مطرح شده است که در جوامع علمی بازخوردهای متفاوتی داشته است.

(پورعلی، فاطمه و علی کرمی، ۱۳۹۳، بررسی ژنتیک اخلاق و معنویت، تحولی نو در عرصه روانشناسی، اولین همایش ملی علوم تربیتی و روانشناسی معنویت و سلامت، بندر گز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر گز)

و همچنین در مقاله «نقش وراثت در سرنوشت انسان از منظر قرآن و حدیث» نوشته حمیدرضا بصیری و مریم گوهری تاثیر وراثت بر سرنوشت انسان را مورد بحث قرار داده اند. و به این نتیجه رسیده اند که یکی از عوامل غیر قابل انکار در سرنوشت انسان وراثت است. (فصلنامه علمی ترویجی سراج منیر دوره ۴، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۲).

نتیجه گیری

در مقاله حاضر وراثت را از جهت تاثیر آن بر موفقیت تحصیلی مورد بحث و تحقیق قرار گرفته. از نظر دانشمندان دو عامل وراثت و محیط نقش اساسی و تعیین کننده ای بر رشد و تربیت و پیشرفت تحصیلی

انسان دارد، از نظر اسلام نیز تاثیر عوامل وراثتی و محیطی به شیوه خاص مورد پذیرش می‌باشد، به این معنا که از منظر آموزه‌های دینی، این دو عامل به عنوان عوامل تاثیرگذار در تربیت و پیشرفت و رشد انسان مطرح است ولی علت تامه نیستند بلکه عوامل دیگری مانند اراده شخص و اراده خداوند، فرشتگان و... نیز از عوامل دخیل در سرنوشت و پیشرفت و تربیت انسان می‌باشند، این مطلب تا حدودی مورد غفلت دانشمندان غربی قرار گرفته است زیرا آنان یا وراثتی محض هستند و یا محیطی محض، توجهی به عوامل درونی و روحی و معنوی ندارند و یا کمتر مورد توجه قرار می‌دهند.

عوامل محیط انسانی مانند والدین، خانواده، دوستان و معاشران، مدرسه، معلم و اجتماع نیز هرکدام به تنهایی تاثیر برجسته و قابل توجهی بر رشد، تربیت و پیشرفت تحصیلی انسان و یا انحطاط و افت تحصیلی آنان دارند که امروزه از دیدگاه دینی و هم از نگاه علمی جای بحث و تردید نیست. همانگونه که برخی صفات را به وراثت که نقش بیشتری دارد نسبت می‌دهند، در ضمن تاثیر محیط طبیعی و انسانی بر پیشرفت و تربیت را نیز نفی نمی‌کنند مانند خلق و خوی، رنگ پوست، بلندی و کوتاهی قد و... از طریق وراثت منتقل می‌شوند.

در سیره معصومین(ع) آغاز تربیت انسان قبل از تولد و زمان انتخاب همسر دانسته شده است که با انتخاب همسر نخستین زمینه شکل‌گیری کانون تربیت رقم می‌خورد؛ زیرا عوامل تربیت صرف نظر از فطرت که در اختیار انسان نیست، شامل عوامل وراثتی و محیطی است. در این تحقیق به مهمترین عوامل تربیتی انسان (وراثت، محیط) پرداخته شد و میزان تاثیر هر یک و نیز موانع پیشرفت بطور خلاصه بیان گردید.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. افروز، غلامعلی، روانشناسی تربیتی، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۵.
۳. بصیری، حمیدرضا، گوهری، مریم، مقاله نقش وراثت در سرنوشت انسان از منظر قرآن و حدیث، فصلنامه علمی ترویجی سراج منیر، دوره ۴، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۲.
۴. به نقل از محمدصادق امینی، _____ روزنامه جام جم.

۵. پورعلی، فاطمه و علی کرمی، بررسی ژنتیک اخلاق و معنویت، تحولی نو در عرصه روانشناسی، اولین همایش ملی علوم تربیتی و روانشناسی معنویت و سلامت، بندر گز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر گز، ۱۳۹۳.
۶. حلی، احمد بن ادریس، السرائر، قم، جامعه المدرسین، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰.
۷. داوودی، محمد، نقش معلم در تربیت دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
۸. رفیعی، بهروز، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۳، تهران، سمت، ۱۳۹۲.
۹. شریعتمداری، علی، روانشناسی تربیتی، چاپ ۱۵، تهران، انتشارات سپهر، ۱۳۸۱.
۱۰. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، موسسه نشر اسلامی، بی تا.
۱۱. قاضی، قاسم، زمینه مشاوره و راهنمایی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۲. قائمی، علی، خانواده و تربیت کودک، قم، سازمان مدارس حوزه‌های علمیه خارج از کشور، ۱۳۷۰.
۱۳. کریمی، یوسف، روانشناسی شخصیت، تهران، موسسه نشر ویرایش، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۷.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ت مصطفوی، قم، انتشارات سرور، ۱۳۹۲.